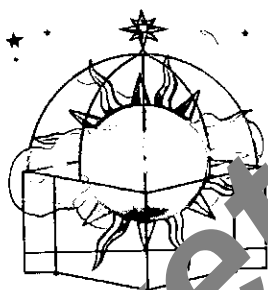


هوشا

در جست و جوی
راز زیست گنبد



حمید ابادی



کتابهای شکوفه

وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر

WWW.AMIRKABIR.NET

تهران، خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۴۱۹۱

اباذری، حمید، ۱۳۵۹.

هوشا در جستجوی راز زیست گنبد / نویسنده: حمید اباذری، طراح روی جلد: پژمان رحیمی زاده.

ت. ۱، امیرکبیر، کتابهای شکوفه، ۱۳۹۱.

۱۶۷

ISBN 978-964-300-749-2

فهرست منابع بر اساس اطلاعات فیبا.

داستانهای کهن فارسی، قرن ۱۴.

رحیمی زاده پژمان، مؤلف.

۱۳۹۱ ۱۶۵۵۹۱ ب ۱۶۱۲

۸۵۳/۶۲

۳۰۴۵۲۶۱

کتابخانه ملی ایران

هوشا در جستجوی راز زیست گنبد

نویسنده: حمید اباذری

ویراستاران: علی عابدی، سید علی شامی

طرح روی جلد: پژمان رحیمی زاده

صفحه آرا: مهدیه ابولحسن

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

بها: ۵۵۰۰ تومان

چاپخانه و صحافی و لیتوگرافی:

طرفه، تلفن: ۵۵۲۶۹۲۸۷-۸

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستند نویسی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

۷	یک یادداشت مرموز
۹	فصل اول / چوپان دروغگو
۱۳	فصل دوم / موضوع از چه قرار است؟
۱۹	فصل سوم / گام اول
۲۵	فصل چهارم / گام آخر؟
۳۳	فصل پنجم / پروفیسور
۴۱	فصل ششم / دنیای واقعی
۴۵	فصل هفتم / داستان پسری به نام سام
۵۱	فصل هشتم / بحرانی غافلگیر کننده
۵۵	فصل نهم / روبو حیوان‌ها
۶۱	فصل دهم / تکلیف چیست؟
۶۹	فصل یازدهم / باوت نسل‌ها
۷۵	فصل دوازدهم / اتا- کنترل مرکزی
۸۱	فصل سیزدهم / پرها بکده!
۸۹	فصل چهاردهم / فاکت پرست
۹۵	فصل پانزدهم / آرمان شهر
۱۰۱	فصل شانزدهم / جاسوس‌های آب‌زاه!
۱۰۷	فصل هفدهم / مرد گوسفندی!
۱۱۳	فصل هجدهم / لپ‌تاپ «آر. اف 2 سوئیچ»
۱۱۹	فصل نوزدهم / اینترنت قرن بیست و دوم
۱۲۵	فصل بیستم / سیاره مجازی ناکجاآباد!
۱۳۱	فصل بیست و یکم / عکسی از گله و چوپان در...
۱۳۹	فصل بیست و دوم / گروه حیوانات زنده!
۱۴۵	فصل بیست و سوم / گروهی از بچه‌های روبوشهر!
۱۵۱	فصل بیست و چهارم / ورود سام به بحران
۱۵۷	فصل بیست و پنجم / چوپان راستگو
۱۶۳	فصل پایانی

یک یادداشت مرموز

نه! نه! نه! باورم نمی‌شود که خوش باشد. یعنی تمام اتفاق‌های... اتفاق‌های شوم این ماه‌ها زیر سر اوست! همان سرور... سرور خودخواه! اما آخر چرا باید این کارها را بکند؟ هدفش از ساختن روبات‌ها چیست؟ این همه کشتار راه انداخته که چه؟ خیلی دلم می‌خواهد با او روبرو شوم. حالا دیگر نیازی نیست ملاحظه‌اش را بکنم. حیف از مادر رز دلسوز و مهربانم که در همه برایش زحمت کشید. هیچ‌وقت چنین روزی را تصور نمی‌کرد. باید جلوگیری می‌کردم. نباید اجازه بدهم ادامه بدهد. اما... اما نباید احساساتی شوم. نشان داده‌ام که کارها از او برمی‌آید. ممکن است اگر بخواهم با او دریغ‌م برای زیست کنند. به هم‌ه‌ایم مشکل درست کند. مخصوصاً با آن بلایی که سر الیاس آورده. مدتی است که سر او خبری ندارم. بیچاره از ترس سام، خودش را... خودش را گم و گور کرده.

آه خدای من؛ یعنی سام این همه سال کجا بوده؟ از آن بعد از ظهر تلخ تا حالا بیشتر از بیست سال گذشته. خیلی وقت بود که فراموشش کرده بودم. هر چند حالا که به عکسش نگاه می‌کنم، چشم‌های گرد و خودپسندش هیچ فرقی نکرده.